



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

مهدورالدم در فقه شیعه با نگاهی به حقوق کیفری ایران

استاد راهنما: دکتر مهدی رهبر

استاد مشاور: دکتر هادی فنایی

نگارش: زهره حاتم پور

۸۷۱۳۷۲۰۰۱

تقدیم

تقدیم به: پدر گرانقدر و مادر والا مقام

تکیه گاهان زندگی

سایبانان آرامش

به زیباترین آفرینش های خالق

به دو رشته محبت که پرستش را از ایشان آموختم

به آنان که یاریم کردند تا بیاموزم

سپاسگزاری

سپاس و درود فراوان آن خدای راسزاست که چراغ توفیق و سعادت در سر راهم قرار داد تا بتوانم

پژوهشی را که در مقابل دریای بیکران علم و دانش استادان گرانمایه، سرمایه ای ناچیز است به اتمام

برسانم.

از استاد راهنمای عزیز و بزرگوارم جناب آقای دکتر مهدی رهبر که رساله حاضر با راهنمایی ها، نظرات

ارزنده، پیگیری های مستمر و مساعدت های ایشان به انجام رسید کمال سپاس و قدردانی را دارم

و همچنین از استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر هادی فنایی که همواره کارگشای بسیاری از مسائل

من بود بی نهایت سپاسگزارم .

در پایان از پرسنل کتابخانه دانشگاه امام خمینی (ره) و تمامی دوستان و عزیزانی که در انجام این رساله،

مرا یاری نمودند تشکر و قدردانی می نمایم.

چکیده:

انسان به عنوان محور حقوق و تکالیف در نظام اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است، احترام جان و مال او بر دیگران لازم است و تعرض بر علیه او ممنوع شمرده است.

در شریعت اسلام، بر حفظ جان انسانها تأکید شده و مهم ترین احتیاط ها در فقه در مورد ریختن خون افراد وارد شده است و اصل بر حفظ خون تمامی افراد است مگر آنکه مهدورالدم بودن آنان به دلیل قطعی ثابت شود.

انسان با چنین منزلتی گاهی به خاطر ارتکاب جرایمی مانند لواط، زنا، ارتداد... از احترام خاصی که شارع برای جان و مال و عرض اوقائل شده محروم می شود و در نهایت به عنوان فرد مهدورالدم از مصونیت جانی نیز محروم شده و ریختن خون او مباح می شود.

شناسایی و بررسی مواردی که در فقه و حقوق کیفری ایران موجب سلب احترام جان انسانها و مهدورالدم بودن آنها می شود در این رساله مورد بررسی قرار می گیرد.

کلید واژه: مهدورالدم، محقون الدم، ارتداد، زنا، کفر.

فهرست مطالب فهرست مطالب

مقدمه	۱۲
فصل اول	
کلیات ومفاهیم	
۱-۱- بیان مسأله	۱۳
۱-۱-۱- طرح سؤالات	۱۳
۱-۱-۳- طرح فرضیه ها	۱۳
۱-۱-۴- سوابق پژوهشی موضوع	۱۴
۱-۱-۵- بیان روش ومراحل انجام کار تحقیق	۱۴
۱-۱-۶- هدف تحقیق	۱۴
۱-۲- پیشینه موضوع	۱۵
۱-۲-۱- قبل از اسلام	۱۵
۱-۲-۲- بعد از اسلام	۱۶
۱-۳- تعریف مهدورالدم	۱۷
۱-۳-۱- تعریف لغوی	۱۷
۱-۳-۲- تعریف فقهی واصطلاحی	۱۷
۱-۴- شرایط تحقق وصف مهدورالدم واقسام آن	۱۸
۱-۴-۱- علل اباحه قتل	۱۸
۱-۴-۲- مهدورالدم های عقیدتی	۱۹
۱-۴-۳- مهدورالدم های عملی	۱۹
۱-۵- اقسام مهدورالدم	۱۹

- ۱-۱-۵- مه‌دورالدم مطلق یاعام ۲۰
- ۱-۱-۱-۵- دیدگاه فقهای شیعه ۲۰
- ۱-۲-۱-۵- دیدگاه فقهای شیعه ۲۱
- ۱-۶- مه‌دورالدم از نظر حقوق موضوعه ۲۱

فصل دوم

- ۲۴ مصادیق مه‌دورالدم در اسلام
- ۱-۱- کافر حربی ۲۴
- ۱-۱-۱- معنای لغوی کفر ۲۴
- ۱-۱-۲- کفر در اصطلاح فقها ۲۴
- ۱-۲- کفر در آیات و روایات ۲۵
- ۱-۳- ملاک تحقق کفر ۲۵
- ۱-۴- ماهیت اسلام و نشانه های آن ۲۶
- ۱-۴-۱- اقرار به شهادتین ۲۶
- ۱-۴-۲- اقرار به شهادتین همراه با اعتقاد درونی ۲۷
- ۱-۵- اقسام کافر ۲۷
- ۱-۱-۵- کافر منتسب به اسلام ۲۷
- ۱-۱-۱-۵- نواصب ۲۷
- ۱-۲-۱-۵- غلاة ۲۸
- ۱-۳-۱-۵- خوارج ۲۸

- ۲۸..... ۱-۱-۴-۵-مجسمه
- ۲۹..... ۱-۱-۵-۵-مجبره
- ۲۹..... ۱-۱-۶-کافر غیر منتسب به اسلام
- ۲۹..... ۱-۱-۱-۶-کافر مستقل
- ۲۹..... ۱-۱-۱-۱-۶-کافر اصلی
- ۲۹..... ۱-۱-۱-۱-۱-۶-کافر حربی
- ۳۰..... ۱-۱-۱-۱-۱-۱-۶-حربی مستأمن
- ۳۱..... ۱-۱-۱-۱-۱-۱-۲-۶-حربی معاهد
- ۳۱..... ۱-۱-۱-۱-۱-۱-۳-۶-حربی غیر معاهد
- ۳۱..... ۱-۱-۱-۱-۱-۱-۴-۶-حربی مهادن
- ۳۱..... ۱-۱-۱-۱-۱-۱-۲-۶-کافر اهل کتاب
- ۳۳..... ۱-۱-۱-۱-۱-۱-۲-۶-کافر ذمی
- ۳۳..... ۱-۱-۱-۱-۱-۱-۲-۶-کافر مرتد
- ۳۳..... ۱-۱-۱-۱-۱-۱-۲-۶-سبّ النبی
- ۳۳..... ۱-۱-۲-۶-کافر تبعی
- ۳۴..... ۱-۶-دیدگاه فقهای شیعه در مورد کافر حربی
- ۳۴..... ۱-۷-مرتد
- ۳۴..... ۱-۱-۷-معنای لغوی ارتداد
- ۳۴..... ۱-۲-۷-معنای اصطلاحی ارتداد
- ۳۵..... ۱-۸-موجبات ارتداد از دیدگاه فقها
- ۳۵..... ۱-۱-۸-انکار اسلام
- ۳۵..... ۱-۲-۸-انکار ضروری دین

- ۱-۳-۸-دشنام وناسزا به انبیاء.....۳۶
- ۱-۹-انواع مرتد۳۶
- ۱-۱-۹-مرتد فطری۳۶
- ۱-۲-۹-مرتد مّلی۳۷
- ۱-۱۰-بیان دو مطلب۳۷
- ۱-۱-۱۰-اظهار کفر یا اسلام پس از بلوغ.....۳۷
- ۱-۲-۱۰-کفر یا اسلام هنگام ولادت یا انعقاد نطفه۳۷
- ۱-۳-۱۰-طرفداران ولادت۳۷
- ۱-۴-۱۰-طرفداران انعقاد نطفه.....۳۷
- ۱-۱۱-شرایط ارتداد.....۳۸
- ۱-۱-۱۱-بلوغ.....۳۸
- ۱-۲-۱۱-عقل۳۹
- ۱-۳-۱۱-اختیار۴۰
- ۱-۱-۳-۱۱-ادعای اجبار واکراه درارتداد.....۴۰
- ۱-۴-۱۱-قصد۴۱
- ۱-۱۲-مجازات مرتد از نظر فقهای شیعه.....۴۱
- ۱-۱۳-آیا مجازات ارتداد از باب حدّ است یا تعزیر؟.....۴۲
- ۱-۱۴-مجریان حکم مرتد۴۲
- ۱-۱-۱۴-مجریان حکم مرتد از نظر روایات۴۳
- ۱-۸-زانی محصن ولائط.....۴۴
- ۱-۱-۸-تعریف زنا.....۴۴
- ۱-۲-۸-شرایط تحقق زنا۴۴

- ۴۴-۱-۳-۸- مجازات زناکار.....
- ۴۵-۱-۴-۸- تعریف لواط.....
- ۴۵-۱-۵-۸- شرایط تحقق لواط.....
- ۴۵-۱-۶-۸- مجازات لائط.....
- ۴۶-۱-۷-۸- مهدورالدم بودن زانی محصن ولائط.....
- ۴۶-۱-۸-۸- دیدگاه فقهای شیعه.....
- ۴۷-۱-۹-۱- قتل زوجه واجنبی در حال زنا.....
- ۴۷-۱-۱-۹- دیدگاه فقهای شیعه.....
- ۴۸-۱-۲-۹- ادله نظر مشهور.....
- ۴۹-۱-۲-۱-۹- رد ادله نظر مشهور.....
- ۴۹-۱-۳-۱-۹- دلیل مخالفین نظر مشهور.....
- ۵۰-۱-۳-۹- بیان یک نکته.....
- ۵۱-۱-۴-۹- بیان محل بحث در قانون.....
- ۵۲-۱-۱-۱-۹- ایراد فقهی.....
- ۵۲-۱-۲-۱-۹- ایراد حقوقی.....
- ۵۳-۱-۶-۹- تحلیل ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی.....
- ۵۳-۱-۶-۱-۹- حکمت و علت حکم جواز قتل
- ۶۱-۱-۶-۹- معاف بودن شوهر از مجازات قتل همسر خود و مرد اجنبی.....
- ۶۱-۱-۱-۱-۹- تحریک و تهییج روحی.....
- ۶۱-۱-۲-۱-۹- دفاع از عرض و ناموس.....
- ۶۲-۱-۳-۱-۹- اجرا و اقامه حد الهی.....
- ۶۳-۱-۴-۱-۹- مهدورالدم بودن زانی وزانیه(زن و مرد اجنبی).....

- ۱-۱-۵-۶-۹- عامل موجهه استثنایی ۶۳
- ۱-۷-۹- نتیجه گیری ۶۴
- ۱-۱۰-۱- دشنام دهنده پیامبر اکرم(ص) ۶۶
- ۱-۱-۱۰- معنا ومفهوم سب ۶۶
- ۱-۲-۱۰- گستره سب ۶۷
- ۱-۳-۱۰- مستندات شرعی سب النبی ۶۸
- ۱-۴-۱۰- وجوه اشتراک سب النبی واهانت ۷۰
- ۱-۵-۱۰- تفاوت‌های جرم سب النبی واهانت ۷۰
- ۱-۶-۱۰- سب دیگر پیامبران ۷۱
- ۱-۱-۶-۱۰- سب امامان معصوم ۷۲
- ۱-۲-۶-۱۰- سب دختر ومادر رسول الله(ص) ۷۳
- ۱-۷-۱۰- ادعای پیامبری(مدعی النبوة) ۷۴
- ۱-۸-۱۰- ساحر وجادوگر ۷۵
- ۱-۹-۱۰- قتل ساب النبی بدون مراجعه به دادگاه ۷۶
- ۱-۱۰-۱۰- دیدگاه فقهای شیعه ۷۷
- ۱-۱۱-۱۰- ساب النبی از نظر حقوقی ۷۹
- ۱-۱۱-۱- قتل مستحق قصاص ۸۰
- ۱-۱-۱۱- دیدگاه فقهای شیعه ۸۲
- ۱-۲-۱۱- قتل مستحق قصاص از نظر حقوقی ۸۲
- ۱-۱۲-۱- قتل درمقام دفاع ۸۳
- ۱-۱-۱۲- تعریف دفاع ۸۳
- ۱-۱-۱۲- دیدگاه فقهای شیعه ۸۳

- ۱-۲-۱۲- دفاع حق است یا تکلیف؟..... ۸۴
- ۱-۳-۱۲- موارد دفاع مشروع..... ۸۵
- ۱-۱-۳-۱۲- تعرض یا حمله به نفس..... ۸۵
- ۱-۲-۳-۱۲- تعرض به عرض یا ناموس..... ۸۶
- ۱-۳-۳-۱۲- تعرض به مال..... ۸۸
- ۱-۴-۳-۱۲- تعرض به آزادی تن..... ۸۹
- ۱-۴-۱۲- شرایط دفاع..... ۹۰
- ۱-۱-۴-۱۲- ضرورت دفاع..... ۹۰
- ۱-۲-۴-۱۲- تناسب میان حمله و دفاع..... ۹۲
- ۱-۳-۴-۱۲- توانایی مدافع در دفع تعرض..... ۹۳
- ۱-۵-۱۲- بیان دو نکته..... ۹۳
- ۱-۱-۵-۱۲- وجوب یا جواز دفاع..... ۹۳
- ۱-۲-۵-۱۲- قتل یا جرح در مقام امر به معروف و نهی از منکر..... ۹۴
- ۱-۱۳-۱- محارب..... ۹۵
- ۱-۱-۱۳- تعریف محاربه..... ۹۵
- ۱-۲-۱۳- شأن نزول آیه محاربه..... ۹۷
- ۱-۳-۱۳- عنصر مادی جرم محاربه..... ۹۷
- ۱-۴-۱۳- عنصر معنوی جرم محاربه..... ۹۸
- ۱-۵-۱۳- شرایط محارب..... ۹۹
- ۱-۱-۵-۱۳- تعداد افراد..... ۹۹
- ۱-۲-۵-۱۳- شرط مسلمان بودن مجنی علیه..... ۹۹
- ۱-۳-۵-۱۳- شرط اهل ربه بودن مرتکب..... ۱۰۰

- ۱-۴-۵-۱۳- شرط مرد بودن محارب..... ۱۰۰
- ۱-۵-۵-۱۳- شرط اقتدار محارب..... ۱۰۱
- ۱-۶-۵-۱۳- شرط علنی بودن محاربه..... ۱۰۱
- ۱-۶-۱۳- استفاده از سلاح..... ۱۰۲
- ۱-۷-۱۳- محل وزمان وقوع جرم..... ۱۰۳
- ۱-۸-۱۳- مجازات محارب..... ۱۰۳
- ۱-۸-۱-۱۳- تخییری یا ترتیبی بودن مجازات محارب..... ۱۰۳
- ۱-۸-۲-۱۳- کیفیت اجرای مجازات محارب..... ۱۰۵
- ۱-۸-۲-۱-۱۳- قتل..... ۱۰۵
- ۱-۸-۲-۲-۱۳- به دار آویختن(صلب)..... ۱۰۵
- ۱-۸-۲-۳-۱۳- بریدن دست راست وپای چپ..... ۱۰۵
- ۱-۸-۲-۴-۱۳- تبعید..... ۱۰۵
- ۱-۸-۲-۱۳- سقوط مجازات محارب..... ۱۰۶
- ۱-۸-۲-۱۳- مرگ..... ۱۰۶
- ۱-۸-۲-۲-۱۳- توبه..... ۱۰۶
- ۱-۸-۲-۳-۱۳- جنون..... ۱۰۶
- ۱-۴-۱-۱۴- باغی..... ۱۰۷
- ۱-۴-۱-۱-۱۴- تعریف باغی..... ۱۰۷
- ۱-۴-۲-۱-۱۴- نمونه نصوص قانونی بغی از کتاب وسنت..... ۱۰۸
- ۱-۴-۳-۱-۱۴- دیدگاه فقها درمورد مهذور الدم بودن محارب وباغی..... ۱۰۹
- ۱-۵-۱- قتل در جرایمی که حد در آنها تکرار می شود
- ۱-۵-۱- اهدار به سبب تکرار در جرایم مستوجب حد..... ۱۰۹

- ۱-۱-۱۵- تکرار درزنا..... ۱۰۹
- ۱-۲-۱۵- تفخیز مکرر..... ۱۱۱
- ۱-۳-۱۵- تکرار درمساحقه..... ۱۱۱
- ۱-۴-۱۵- تکرار درقذف..... ۱۱۱
- ۱-۵-۱۵- تکرار در شرب خمر..... ۱۱۲
- ۱-۶-۱۵- تکرار در سرقت مستوجب حدّ..... ۱۱۲
- ۱-۷-۱۵- دیدگاه فقها در مورد مهدورالدم بودن مرتکبین جرایم حدّی..... ۱۱۳

فصل سوم

- متصدی اجرای حکم مهدورالدم..... ۱۱۴
- مقدمه..... ۱۱۴
- ۱-۱- اولیای دم یا ثالث..... ۱۱۴
- ۲-۱- موارد جواز اجرای حکم توسط اولیای دم یا ثالث..... ۱۱۴
- ۱-۱-۲- کشتن قاتل توسط اولیاءدم..... ۱۱۴
- ۱-۲-۲- کشتن مهاجم درمقام دفاع (دفاع مشروع)..... ۱۱۵
- ۱-۳-۲- کشتن زوجه واجنبی درحال زنا..... ۱۱۶
- ۱-۴-۲- قتل سبّ النبی..... ۱۱۷
- ۱-۳-۳- بررسی قاعده "لا یُبطلُ دمّ امریِ مسلم" (هدر نرفتن خون مسلمان)..... ۱۱۷
- ۱-۱-۳- دامنه قاعده لایبطل..... ۱۱۸
- ۱-۲-۳- کاربرد قاعده لایبطل..... ۱۲۱
- الف) معلوم نبودن قاتل..... ۱۲۱
- ب) جنون قاتل..... ۱۲۱
- ج) جنون مقتول..... ۱۲۲

- د) برده بودن قاتل ۱۲۲
- و) معلوم بودن تأثیر فعل متهم در قتل ۱۲۳
- ذ) اضطراری یا اتفاقی بودن عمل قاتل ۱۲۳
- ۱- مرگ قاتل ۱۲۴
- ۲- فرار قاتل ۱۲۴
- ۳- کشته شدن به اشتباه با کافر حربی ۱۲۴
- ۱-۴- نتیجه گیری ۱۲۵
- ۱-۵- منابع و مآخذ ۱۲۸

مقدمه :

قتل نفس و سلب حیات از انسان از مهم ترین جرایم علیه مجرمین است و در همه جوامع با واکنش شدید شارع و در نظر گرفتن مجازات های سخت برای قاتلان همراه است. در نظام حقوقی اسلام مجازات قتل در صورتی که عمدی و عدوانی باشد قصاص است و از این مجازات در قرآن کریم به عنوان منشأ حیات جامعه یاد شده است.^۱

حمایت اسلام از حیات اشخاص و احترام خون آنها در جامعه اسلامی یک اصل است و اسلام اجازه تعدی به حیات اشخاصی که در دار الاسلام سکونت دارند، نداده است اما بعضی اعمال و رفتارها توسط مسلمانان یا افرادی که در سرزمین های اسلامی سکونت دارند، موجب زوال عصمت و حرمت خون آنها می شود و ریختن خون آنها را مباح می گرداند. این رفتارها به صورت دقیق و مبسوط در اسلام بیان شده اند و مباح شدن خون اشخاص بر اثر ارتکاب این اعمال یا جرایم در اوضاع و احوالی خاص و در موارد بسیار محدود، تحقق پیدا می کند.

مرتکبان این اعمال یا جرایم در فقه اسلام به عنوان مهدور الدم مورد بحث قرار گرفته اند و در قانون مجازات اسلامی ایران که براساس فقه شیعه تدوین شده، قتل مهدور الدم، عامل موجه جرم تلقی شده و براساس ماده ۲۶۶ ق.م.ا قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد.

در این رساله، مطالب درسه فصل جداگانه مطرح شده اند: در فصل اول به کلیات بحث از جمله پیشینه موضوع، واژه شناسی مهدور الدم و معنای مباح بودن خون اشخاص و علت آن و بررسی تطبیقی مهدور الدم در حقوق موضوعه می پردازیم، در فصل دوم مصادیق مهدور الدم از دیدگاه فقهای شیعه بررسی می شود و فصل سوم به بیان متصدی اجرای حکم مهدور الدم و بررسی قاعده لایبطل اختصاص دارد.

^۱ - بقره: ۱۷۹/۲ (ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب.)

بیان مسأله :

اسلام به عنوان اکمل ادیان برای حیات اشخاص احترام فوق العاده ای قائل شده است به حدی که حمایت از حیات اشخاص واحترام خون آنها در جامعه اسلامی یک اصل محسوب می گردد و به احدی اجازه تعدی و تجاوز به حیات اشخاصی که در دارالاسلام سکونت دارند و یا با حکومت اسلامی قرارداد صلح و ترک مخاصمه منعقد کرده اند را نمی دهد و با توجه به همین اصل مهم است که قرآن مجید کشتن یک انسان را مساوی با کشتن همه انسانها می داند.

در حقیقت قتل نفس ، مهم ترین جرم علیه تمامیت جسمانی انسان است که هم در شرایع آسمانی و ادیان مختلف و هم در قوانین عرفی برای آن مجازات سنگینی وضع گردیده است. با توجه به آیات و روایات واقوال و فتاوی فقها و حقوق دانان اسلامی جای هیچ گونه شک و تردید ی نیست. که انجام بعضی اعمال و رفتارها توسط مسلمانان یا غیر مسلمانان موجب زوال عصمت واحترام آنها شده، ریختن خونشان را مباح می نماید و به طور کلی واکنش شدید شارع مقدس رادری خواهد داشت. در اصطلاح فقهی به این گونه افراد مهدور الدم می گویند و کشتن آنها نه تنها جایز، بلکه در مواردی واجب است. اصولاً مهدورین به مهدورین مطلق و نسبی قابل تقسیم هستند. در فرض اول هر شخصی می تواند فردی را که عصمت خود را از دست داده به قتل برساند و قاتل از مجازات قصاص و یا پرداخت دیه معاف می باشد. در فرض دوم اشخاص عادی نمی توانند جانی را مورد تجاوز و تعرض قرار داده و او را بکشند بلکه خون او در برابر شخص و اشخاص معینی مباح بوده و نسبت به دیگران حرام و ممنوع است و اجرای مجازات آنان تحت شرایطی و عمدتاً توسط حکومت، قابل اجرا می باشد.

طرح سوالهای تحقیق:

- ۱) ملاکهای تحقق عنوان مهدورالدم کدامند؟
- ۲) مسئولیت اجراء احکام مربوط به مهدورالدم برعهده کیست؟
- ۳) در نظام فقهی و حقوقی اسلام، اصل اولیه ارزشمندی و حفظ نفوس است یا هدر بودن آن؟

فرضیه های اصلی تحقیق:

الف) اصل اولی محقون الدم بودن و حفظ جان انسانهاست.
ب) مهدورالدم به کسی گفته می شود که شرعاً مستحق کشته شدن است یعنی کسی که ریختن خون او مجاز باشد ، در مقابل باید از ریختن خون کسی که محقون الدم است خودداری کرد.
ملاکهای مثل ارتداد، کفر، سبّ النبی، قتل نفس محترم و... موجب مهدورالدم بودن افراد می شود.
ج) حق کشتن مهدورالدم با حاکم یا با اذن او و در مواردی با اولیاء دم می باشد.

سوابق پژوهشی موضوع:

درباره مه‌دورالدم تعدادی مقاله نگاشته شده و به طور پراکنده در کتب فقهی و حقوقی نیز در مورد آن صحبت شده لیکن جمع آوری و استقراء افراد مه‌دورالدم در گستره فقه امامیه و بیان ویژگیها و شرایط آن در فقه و قوانین موضوعه مبحث جدیدی است که به این شکل نوشته ای در مورد آن وجود ندارد.

بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق:

به صورت کتابخانه ای و فیش برداری از منابع مربوط فقهی و حقوقی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتیجه گیری از آنها.

هدف تحقیق :

۱) با توجه به تغییر قوانین جزایی ایران بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و جایگزین شدن قوانین اسلامی که منطبق با نظر مشهور فقهای شیعه است و افراد مه‌دورالدم در جامعه اسلامی ، مستحق کشتن می باشند و از طرف دیگر اسلام برای حفظ نفوس و دماء، احترام فوق العاده ای قائل شده است.

بنابراین شناخت مصادیق مه‌دورین در فقه و قانون و موارد منصوص و غیر منصوص اهمیت زیادی داشته و در جلوگیری از ریخته شدن خون بی گناهان تأثیر فراوان دارد.

۲) نظر به اینکه قانون جزایی حاکم بر ایران ، ترجمان فقه و فتوای مشهور فقهای شیعه است لذا لازم است مبانی فقهی و حقوقی مه‌دورالدم شناخته و تبیین شود.

تبیین و روشن کردن مبانی فقهی، حقوقی و قانونی این موضوع از دیگر اهداف این تحقیق خواهد بود.

۱-۲: پیشینه موضوع

۱-۲-۱: قبل از اسلام :

تا آنجا که علم و اطلاعات بشر اجازه می دهد، همواره افرادی ریختن خون افراد دیگر را جایز، مباح و در مواردی واجب و ضروری می دانسته اند، و به یقین این موضوع در دوره ماقبل تاریخ نیز وجود داشته و افرادی به سبب ارتکاب بعضی کارها خونشان هدر واز آنها سلب عصمت می شده است اما آنچه در اینجا اهمیت بیشتری دارد دوره ای است که اطلاعات آن از طریق نوشته به ما رسیده است به عبارت دیگر ماجهت اثبات ادعای خود دلیل و برهان قاطع و شواهد تاریخی داریم با این حال باید اذعان نمود که اصطلاح "مهدور الدم" قبل از اسلام وجود نداشته است، هرچند مجازات اعدام و مرگ به نحو وسیعی در میان ملل دنیا رایج بوده است که به نمونه هایی از آنها اشاره خواهیم کرد. و در زمانی که تمدن بشری به این حد از پیشرفت فعلی نرسیده بود به دلیل وجود تبعیضاتی میان مردم جوامع، عده ای از شهروندان از بسیاری از حقوق و مزایای زندگی اجتماعی محروم بودند و در نتیجه حتی خونشان نیز مباح تلقی می گردید. به عنوان مثال بردگان در نظامهای اجتماعی که برده داری را قانونی می دانستند از کمترین حقوق زندگی اجتماعی محروم بوده و جزء اموال ارباب خود تلقی می شدند لذا مالک یک برده می توانست هر نوع رفتار را با او داشته باشد از جمله قتل وی برای ارباب مسئولیتی ایجاد نمی کرد.^۱

در قانون حمورابی^۲ موارد زیادی به چشم می خورد که مجازات شخص، کشته شدن ذکر شده است که از جمله بچه دزدی، اخذ رشوه از طرف نظامیان، زنا با زن شوهردار، هتک ناموس به عنف و... را می توان ذکر نمود.

در رم و یونان باستان عده ای از مجرمین را به لحاظ ارتکاب جرایم خاصی مستحق مرگ می دانستند. و در ایران باستان نیز برای جرایمی مانند "خیانت به وطن، هتک ناموس، لواط، سوزاندن مردگان، تجاوز به حرمت کاخ شاهی و غیره"^۳ مجازات اعدام در نظر گرفته شده بود و "اگر مردی زن خود را در حال خیانت دستگیر می کرد حق کشتن او را داشت"^۴ و به همین ترتیب در قبایل دیگر نیز رایج بوده است.

^۱ - قانون نامه حمورابی، کامیار عبدي، ص ۵۱

^۲ - قانون حمورابی از قدیمیترین قوانینی است که تاریخ بشر تاکنون به ثبت رسانده است و منتسب به قوم بابل می باشد این قانون منسوب به حمورابی ۶ و بزرگترین پادشاه اولین سلسله پادشاهان حاکم بر بابل بود که حدود ۴ هزار سال قبل از میلاد سلطنت می کرده است.

^۳ - ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد ۱، ص ۴۱۱

^۴ - همان، ص ۲۶۰

۱-۲-۲: بعد از اسلام :

قبل از ورود به بحث اصلی این موضوع حائز اهمیت است که مجازات اعدام و مرگ در ادیان آسمانی دیگر مانند دین یهود، زرتشت و مسیحیت نیز وجود داشته و دارد.^۱ البته این مجازات در بعضی از ادیان مثل یهود، چشم گیر است و در بعضی دیگر مثل مسیحیت نادر یا غیر موجود می باشد.^۱ اما اصطلاحی به عنوان "مهدور الدم" در ادیان مذکور وجود ندارد. بدون شک اصطلاح مهدور الدم مختص حقوق اسلامی بوده و به اشخاصی اطلاق می شود که در مقابل کشتن آنها قصاص و دیه نیست، به عبارت دیگر ریختن خون آنها ضمان آور نیست و قاتل هیچ مجازاتی ندارد. از نظر سیره نبوی با بررسی حوادث زمان پیامبر (ص) در مکه و مدینه این نکته مشخص می شود که اسلام هیچ گاه اجازه کشتن اشخاص ساکن در دار الاسلام را بر اساس تصورات و تشخیص افراد نداده است. چنان که در صحیحۀ داود بن فرقد از امام صادق (ع) روایت شده :

اصحاب پیامبر به سعد بن عبادۀ گفتند: اگر مردی را در حال زنا با همسرت مشاهده کنی چه می کنی سعد گفت: گردن او را می زنم، در این هنگام رسول خدا فرمود: سعد چه می گویی؟ چهار شاهد را چه می کنی؟ سعد از پیامبر پرسید بعد از اینکه خود وقوع جرم را مشاهده کردم و خدا هم شاهد است باز هم چهار شاهد لازم است؟ پیامبر فرمود: بله حتی بعد از اینکه خودت دیدی و خداوند هم شاهد است، زیرا خداوند متعال برای هر چیزی حدی قرار داده است و برای کسی هم که از آن حد تجاوز کند حدی قرار داده است.^۲

نتیجه اینکه سیره پیامبر اسلام بر قانونمند کردن جامعه و محاکمه قانونی و مجازات مجرمان بر اساس موازین بوده و از اقدامات خود سرانه و طبق تشخیص و تصور افراد جلوگیری کرده است.

^۱ - شمس ، محمد ابراهیم، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، ص ۳۶

^۲ - حر عاملی ، محمد حسن ، وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعة ، تصحیح شیخ عبد الکریم الیربانی الشیرازی ، ج ۱۸، ص ۳۱۰

۱-۳: تعریف مه‌دور الدم

۱-۳-۱: تعریف لغوی :

مه‌دور اسم مفعول از ماده "هَدَرَ" به معنی باطل و بی فایده و مه‌دور یعنی بیهوده و برباد رفته^۱.
و در المعجم الوسیط به این مطلب اشاره شده ، چنان که آمده: "أهدَرَ دمه: اباحه واسقط القصاص والدية"^۲ یعنی خونس را مباح کرده وقصاص و دیه را ساقط کرد.

در مقابل آن "محقون الدم" است، از ماده حَقَّنْ به معنی حفظ کرد و نگه‌داشت و محقون الدم یعنی رهنیده شده از قتل^۳. چنانکه گفته شده: "حقنت دمه"^۴ یعنی از ریختن خون او جلوگیری کردم.
به طور خلاصه می توان گفت: "مه‌دور الدم" مشتق از ریشه هَدَرَ واهداری و به معنی از بین رفتن و به هدر رفتن می باشد واهداری به معنای به هدر وهرز دادن که مصدر باب افعال و "مه‌دور" اسم مفعول می باشد و "دم" به معنی خون بوده لذا مه‌دور الدم به معنای خون به هدر رفته وهرز رفته می باشد.

۱-۳-۲: معنای فقهی واصطلاحی :

کلمه "مه‌دور الدم" یک اصطلاح فقهی بوده واز فقه جزایی اسلام وارد حقوق کیفری ایران بعد از انقلاب اسلامی شده است.

در کتابهای فقهی تعریف مه‌دور الدم به صورت کلی در شکل ضابطه وقاعده اینگونه بیان شده است: "کل من اباح الشرع قتله"^۵ یعنی هر کس که شرع مقدس اسلام، ریختن خون او را مباح دانسته است . برخی دیگر این قاعده را اینگونه بیان کرده اند: "والضابط فی جمیع ذلک هو کون القاتل سائغاً"^۶ قاعده این است که کشتن او برای قاتل جایز باشد.

مرتکبین جرایمی که اصولاً مجازات آنها مرگ است، احترام جان خود را از دست داده از چتر حمایتی جامعه اسلامی خارج می شوند به طوری که در صورت تعرض به نفس آنان ، جانی نسبت به قصاص و دیه هیچ مسئولیتی نخواهد داشت^۷ و خون او هدر است وچه بسا مرتکب قتل در مواردی مورد تشویق جامعه نیز قرار بگیرد.

قتل مه‌دور الدم در مواردی و باوجود ضوابط و موازین خاص خود بر شخص مکلف، واجب است مانند قتل کسی که به پیامبر(ص) فحش و ناسزا می گوید^۸ و در مواردی جایز و مباح است مانند ارتکاب قتل توسط کسی که زن خویش را در حال زنا مشاهده کند یا قتل در مقام دفاع در این موارد بحث از مجازات و شرایط قصاص معنایی نخواهد داشت زیرا به دلیل عوامل موجه مذکور، وصف مجرمانه از قتل در مقام انجام دادن واجب شرعی یا قانونی یا قتل در مقام دفاع برداشته می شود.

^۱ - فرهنگ بزرگ جامع نوین ، ج ۲، ص ۲۲۵۹

^۲ - المعجم الوسیط ، ص ۹۷۶

^۳ - دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۸۰۱۰

^۴ - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب ، ج ۳، ص ۲۵۶

^۵ - محقق حلّی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۴، ص ۹۹۱

^۶ - خویی، السید ابو القاسم ، میانی تکملة المنهاج ، ج ۲، ص ۸۳

^۷ - صادقی ، محمد هادی، حقوق جزای اختصاصی(۱) ، ص ۵۲

^۸ - سبزواری ، سید عبد الاعلی ، مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، ج ۲۸، ص ۱۸۳